مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و یکم، شمارهٔ پیاپی ۸۲/۱،
بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص۶۹-۴۳

حکم اهانت به مریم مقدس در شریعت مسیحیت*

دکتر محمدرضا جواهری[۱]
استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد
Email: Jvaheri@ferdowsi.um.ac.ir
دکتر سیدرضا موسوی
استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد
Email: mosavi-r@ ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

اهانت به شخصیّت‌های مقدس هر یک از ادیان الهی، از جانب پیروان دین دیگر گفتگوی ادیان را به بن بست می کشاند. ولی احترام و تکریم آنان زمینه را برای برقراری ارتباط، تقریب ادیان و تفاهم در راه شناخت حق فراهم می‌آورد و آثار مثبت و سازنده‌ای دارد. آگاهی از احکام ادیان الهی در مسئلهٔ توهین به شخصیّت‌های مقدس، از رویارویی و تقابل پیروان ادیان می‌کاهد و آنان را از توهین به مقدسات یکدیگر باز می‌دارد. این پژوهش فقهی درصدد است بر اساس مدارک و منابع معتبر شرعی مسیحیت، حکم اهانت به مریم مقدس را به دست آورد. از این‌رو نخست منابع اصلی پذیرفته شده از جانب مذاهب مسیحی شناسایی و معرفی شده و سپس فضایل مریم مقدس از درون کتاب و سنت مسیحی و آرای پاپ استخراج گردیده و در نهایت حکم و جزای توهین به این شخصیّت بی‌نظیر مسیحیت استنباط و ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: مریم، شریعت، مسیحیت، توهین، مقدسات.

---

*.تاریخ وصول:۱۳۸۶/۲/۸؛ تاریخ تصویب نهایی:۱۳۸۶/۳/۲۶.
۱. نویسندهٔ مسؤول، این مقاله، مستخرج از پایان‌نامهٔ دکتری نویسنده است.

در مقدمۀ این پژوهش شایسته است مفاهیم واژه‌های شخصیت، توهین و اهانت روشن شود. شخصیت مصدر جعلی شخص است و صفات ویژۀ هر انسان و خصوصیات فردی وی، مجموعۀ عوامل باطنی شخص، نفسانیات، احساسات، عواطف و خلق و خوی مخصوص یک فرد، بزرگواری، شرافت، رفعت و درجۀ انسان را «شخصیت» نامند(دهخدا، ۱۴۱۸۳/۹؛ معین، ۲۰۳۲/۲؛ عمید،۷۸۹).

ریشۀ توهین و اهانت تفاوت دارد؛ زیرا حروف اصلی توهین «و ه ن» و حروف اصلی اهانت « ه و ن» است، ولی به دلیل نزدیکی معانی، در فرهنگ‌های فارسی برای ترجمه و تبیین معانی یکدیگر نوشته شده‌اند(دهخدا، ۳۶۵۳/۳؛ انوری۶۶۴/۱؛ عبدالله،۵۳).

توهین به معنای ضعیف گردانیدن و سست کردن (فراهیدی، ۹۲/۴؛ راغب اصفهانی، ۵۳۵؛ زمخشری، ۵۱۱؛ ابن منظور، ۴۵۳/۱۳)، تکسُّر و درهم شکستن(ثعالبی، ۲۷۰؛ بعلبکی،۸۱)تحقیر نمودن، خوار و خفیف کردن و کوچک و سبک شمردن (دهخدا، ۷۱۶۰/۵؛ معین،۱۱۷۱/۱)آمده است. اهانت نیز به معنای استخفاف و سبک کردن، استحقار و حقیر شمردن، ضعیف و ذلیل گردانیدن(راغب اصفهانی، ۵۴۷؛ زمخشری،۴۸۹؛ ابن منظور،۴۳۸/۱۳ و ۴۳۹؛ طریحی،۳۳۱/۶) استهزاء و مسخره کردن (خوری،۱۴۱۱/۲) خوارداشتن و کوچک نمودن، پست کردن و آزردن (دهخدا،۳۶۵۳/۳؛ معین،۴۰۸/۱؛ عمید،۲۱۹) است. منظور از توهین به شخصیت مریم مقدس در این پژوهش، هر گفتار، نوشتار و رفتاری است که موجب تضعیف، سست کردن، درهم شکستن، سبک شمردن و کوچک ساختن جایگاه مریم مقدس، مقام و شخصیت حقیقی و حقوقی، امتیازها و صفات معنوی ایشان در سنت مسیحیت گردد. افزون بر اوصاف پذیرفته شده و مشترک بین سه مذهب کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان، امتیازهایی را که واتیکان و پاپ برای مریم اثبات نموده‌اند در شخصیت دینی مریم مقدس ملاحظه می‌گردد.

در آغاز پژوهش برای استنباط و تبیین حکم شرعی توهین به شخصیّت مقدس حضرت مریم- سلام‌الله‌علیها-، باید منابع معتبرفقهی مسیحیت را شناسایی کرد؛ زیرا روشن شدن این واقعیت که بنیان احکام فقهی هر کدام از مذاهب مسیحی بر چه منابعی استوار است و هر گروه چه منابعی را حجت، مقدس و محترم می‌شمارد، دین‌پژوهان را در استخراج حکم مسئله اهانت به مریم مقدس یاری می‌رساند.

مدارک و منابع معتبر

«کتاب مقدس» مهم‌ترین منبع دارای اعتبار در نزد مسیحیان است. احترام، اعتبار، مرجعیّت، حجیّت و ضرورت پیروی کامل از کتاب مقدس وجه اشتراک تمام مسیحیان جهان و رکن اصلی ایمان مسیحی است. همهٔ مذاهب مسیحی در لزوم تکریم و تعظیم کتاب مقدس اتفاق نظر دارند. بنابراین، لزوم پیروی از کتاب مقدس اجماعی است. کاتولیک‌ها (رابرتسون،۹ و۱۱ ؛ وان وورست،۱۲۰،۴۰،۱۲۱؛ میشل،۲۲،۲۳و۴۳؛ ا.هیوم، ۳۸۲و۳۸۳؛ مولند،۱۶۲؛ هاینس دشنر،۶و۷)، ارتدوکس‌ها(لین، ۱۳۸–۱۴۰) و پروتستان‌ها (دانستن،۲۴، ۵۰،۵۶،۱۰۲،۱۰۳و۱۳۵؛ تیواری،۱۷۴–۱۷۶؛ لین،۲۷۰،۳۲۷و۳۲۸ ؛ مک گراث،۳۰۶–۳۰۸) همگی به صدق، صحّت، قداست و اعتبار کتاب مقدس، اعتقاد دارند و بر الهی بودن و عاری از اشتباه بودن آن تصریح کرده‌اند (ناس، ۶۳۰ و۶۳۱؛ هاکس، ۷۱۸ و۷۱۹؛ جوویور،۱۳،۳۷،۳۸و۳۹۰؛ ا.هیوم،۳و۳۸۴؛ تیواری،۱۵۳؛ میشل،۲۶،۴۹و۵۱؛ توفیقی،۱۶۳؛ فاستر،۳۳۶،۳۳۸و۳۴۲). «سنت» منبع دوم برای عموم مسیحیان جهان است. علاوه برکاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها که همواره بر مرجعیّت و اعتبار سنت تأکید دارند (جوویور،۱۲۲–۱۲۴؛ مولند،۴۹و۵۴و۵۵و۸۹؛ مک گراث،۳۵۷و۳۵۸؛ ویر،۵۲) پروتستان‌ها نیز به پذیرش نوعی سنت مجبور شده‌اند و از «متون مقدس» و «کلیسا» و«شهادت درونی روح القدس» و «نداهای پیامبرگونه» برای زندگی دینی و عمل صالح مطابق سنت مسیحی یاد می‌کنند (دانستن، ۸۴–۸۹ و۳۲۹–۳۳۱؛ ویر،۴۸). به اعتقاد

کاتولیک‌ها و شورای جهانی مسیحیان، سنت منبع جداگانه الهی افزون بر کتاب مقدس است که -به خواست خدا- به عنوان وحی الهی برای جبران کاستی‌های کتاب مقدس تعیین شده و حجیت واعتبارآن ، همسنگ با کتاب مقدس است (گراث، ۲۹۶،۳۱۳، ۳۱۴و ۳۵۷-۳۶۰؛ گریدی،۲۰۴-۲۰۶؛ لین،۴۹۱ ؛ ویر،۴۸). سنت طرح زنده ای است که رشد و توسعه می پذیرد و برای کلیسا و مسیحیان قوانین شرعی جدید تولید می‌کند. گرچه سنت از عصر رسولان و پدران کلیسا آغاز شد، ولی همواره در حال شکوفایی و تکامل و پاسخگویی به نیازهاست. تحرک، پویایی، استمرار و تداوم سنت عامل گسترش و توسعۀ آموزه های مشروع و قانونی کلیسای جهانی است (مولند، ۸۶-۸۹ و۹۰؛ لین،۴۹۲؛ گریدی،۲۰۶؛ مصطفوی کاشانی، ۷۸،۱۶۳و۱۶۴؛ ویر،۴۵،۵۳و۵۴؛ عبدخدایی،۵۱؛ محمدیان و دیگران،۴۰۴و۴۰۸). برای اثبات حجیت و اعتبار سنت، استمرار و پایداری آن به «کتاب مقدس» (انجیل متی، ۱۸/۱۸تا۲۰؛ لاک،۶۳؛ دانستن،۳۱) و «وحی، هدایت و لطف الهی»(مولند،۹۰؛ گریدی،۲۰۸) و «تجلی حضور، تعلیم، الهام و ارشاد کلیسا توسّط روح القدس» (لین، ۸۴ ،۱۳۹،۳۶۱و۳۶۲؛ میشل،۵۰و۵۱؛ ابطحی، ۸۹، ۹۵ و۹۶؛ جوویور، ۳۱، ۹۳ و ۴۸۶) استدلال شده است. کلیسای کاتولیک پاپ را دارای قدرت مطلق و نامحدود می‌شمارد که پیروی کامل از آرای وی وظیفۀ عموم مسیحیان است (کونگ، ۹۲،۱۴۶،۱۵۲،۱۹۰،۲۳۵و۲۳۶؛ ناس،۶۵۲؛ پالارد،۲۴؛ فلاورز،۱۲۲؛ گیربرانت،۴۵،۶۰،۶۴،۷۱و۷۶؛ لون،۷). وی خلیفۀ خدا و نائب عیسای مسیح بر روی کره زمین و فوق امپراتور است. حق الهی قانون گذاری و تشریع برای عموم مسیحیان از او است (فاستر،۴۰۶و۴۰۸؛ دورانت،۶۷۸/۴،۶۸۰،۷۰۸و۱۰۸۴؛ کونگ،۱۴۸و۲۵۱؛ مولند،۸۷؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۵۷۸) او مشروعیت، اعتبار و لزوم اجرای فتاوای پاپ بستگی به پذیرش مردم ندارد (غوری،۱۳۲-۱۳۵). علامه یوحناپطرس غوری مدارک و اسنادِ قدرت قانونگذاری و حق تشریع کلیسای کاتولیک به رهبری پاپ را، «کتاب مقدس» (انجیل یوحنا،۱۵/۲۱-۱۸؛ انجیل متّی، ۱۳/۱۶-۱۹؛ انجیل لوقا،۱۶/۱۰؛ اعمال

رسولان،۲۸/۱۵) و «دلیل عقلی» و «سـنت کلیسـایی»(غـوری،۱۱۵) مـی دانـد. پـاپ در اظهارنظر خویش از اشتباه پاک است. وی هیچ‌گاه در فرمان های رسمی پاپی در جایگاه رهبری مسیحیان اشتباه نمی کند. مقام عصمت و خطاناپذیری پاپ یک امتیازالهی اسـت که در شورای جهانی مسیحیان، شـورای اول و دوم واتیکـان تأییـد و تصـویب گردیـد (لین،۴۸۱ و۴۹۳؛ کونگ،۲۲۷؛ اینارمولند،۹۱و۹۲؛ وورست،۴۳۸). در متن تصـویب شـده پیرامون خطاناپذیری پـاپ در شـورای واتیکـان اول بـرای اثبـات ایـن اصـل ایمـانی و عقیدتی بر «سنت مسیحی»، «ترفیـع و تکـریم مـذهب کـاتولیکی»، «نجـات مسـیحیان»، «مکاشفه الهام الهی»، «تأییـد شـورای مقـدس»، «مسـاعدت و کمـک الهـی»، «جانشـینی پطرس»، «اقتدار عالی رسولی» و «انجام وظیفهٔ تعلیم و آمـوزش مسـیحیان» تکیـه شـده است (ورست،۴۳۸-۴۴۰؛ لین ،۴۸۱؛ زیبایی نژاد،۲۶۷). در سند مسیحی شورای واتیکان دوم نیز اصل «اقتدار آموزشی قدسی پاپ» در عرض «کتاب مقدس» و «سـنت مقـدس» به عنوان منبع سوم معتبرمسیحی شناخته شد که با هـدایت روح القـدس کـلام خـدا را دریافت می‌کند و به نام عیسـی مسـیح آمـوزش مـی دهـد (مصـطفوی کاشـانی،۱۳۹-۱۴۸،۱۴۱و۱۴۷). بنابراین، فرمان‌های پاپ وآمـوزه هـای دینـی وی، مصـوّبات شـورای جهانی کلیسا و واتیکان و مسیحیان با حضورپاپ و تأییـد و تصـویب وی، منبـع معتبـر دیگری برای شناخت شخصیّت‌های مقدس مسیحی و حکم اهانت به آنان می باشد.

حضرت مریم- علیهاالسلام- در جایگاه برتر

مریم چهره بسیار جذاب و پر از قداست و حرمت است. پس از عیسـای مسـیح هیچ شخصیتی به موقعیت و جایگاه مـریم مقـدس نمـی رسـد. او بـر همـه رسـولان و شاگردان عیسی برتری داشت(وورست،۵۲۳). احترام، عزت، عظمت و جـلال حضـرت مریم روز به روز در بین مسیحیان رشد و افزایش یافت وبه صورت سرسپردگی عمومی درآمد، گریدی،۱۶۵). چهره انسانی و دوست داشتنی ملکه ملکـوت حضـرت مـریم بـه

عنوان یک زن، آن گونه که در هیئت «مریم عذرا با ردای بلند» نمایان است بـی نهایـت معروف و مشهور گشت، به ویژه به عنوان مددکار بینوایان، مردم سـتمدیده و بـی کـس (کونگ،۱۶۸). کم کم در دل عموم مردم حضرت مریم مقامی ارجمندتر و شـامخ تـر از خود مسیح احراز کرد، به گونه‌ای که مردم با دیدۀ پرستش به اونگریستند و او را شـفیع و واسطۀ خدا و انسان دانستند. برناردینوس در قرن پانزدهم مـیلادی در ایـن خصـوص مبنای تعلیمات خود را این طور قرار داده بود که مادر برتر ازپسر است، پس مریم برتـر از خداست(الدر،۵۱).حضرت مریم به عنوان ملکه آسمان ارتباط با ارزشی بین عیسـی و مسیحیت برقرار کرد؛ او چهرۀ زنانه خدا را آشکارکرد و اهمیّت دائمی معنوی مردمی او انکارناپذیراست. وی نخستین زن در تاریخ مسیحیت است که پـیش از مسـیح و نیـز در زمان حیات زمینی و زمان بر صلیب رفتن و رستاخیز او زنده بود و برای همۀ مسیحیان، چه مرد و چه زن، الگو است. او به نظربسیاری از مسیحیان، پس از خود مسـیح دومـین کسی است که آشکارکننده معنای درونی مسیحیت است (کاکس،۷۱). شاهکار خطرناک و بسیار ارزشمند حضرت مریم در زندگی‌اش پذیرش بارداری و آبستنی از روح‌القـدس و زایش معجزه آسای مسیح است که شان و مقـام عـالی بـی نظیـری بـود(کـاکس،۶۷؛ وورست،۵۹). بدین‌سان مریم با پذیرش خواسته خدا که می توانست آن را رد کند چون آزاد بود، در حقیقت حادثه‌ای را ممکن ساخت که بدون آن مسیحیت وجود نمی‌یافـت: خدا «جسم گردید و در میان ما ساکن شد». این «آری» مریم، به هر معنایی که باشد بیان کننده این است که مریم با اطمینان کامـل بـه محبـت خـدا و اشـتیاقش بـرای پـذیرش زحمات و ننگ اجتماعی، که ناچاربه این خاطرکه بدون ازدواج کودکی آورده بود بـه او نسـبت داده مـی شـد، نقـش انکارناپـذیری در مـاجرای نجـات ایفـاکرد(کـلارک،۱۰؛ کاکس،۶۷و۶۸).

سیمای حضرت مریم در کتاب مقدس

کتاب مقدس مسیحیان از دو بخش عهد قدیم و عهد جدید تشکیل شده است. این هر دو بخش برای تمام مسیحیان ارزشمند و محترم است و برای تبیین حکم شرعی به هر دو عهداستناد می کنند.

مریم مقدس در عهد قدیم

در عهد قدیم دو بار از مریم یاد شده است. در نخستین بار آن بشارت «حوای نوین» نهفته است. زمانی که حوا همسر حضرت آدم دردام فریب مار گرفتار گردید و در بهشت از شجره ممنوعه خورد، خدای متعال در هنگام لعنت کردن مار چنین گفت: «عداوت در میان تو و زن و در میان ذریّت تو و ذریّت وی می گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد»(سفر پیدایش،۱۵/۳). «ذریت زن» در تفسیر نویسندگان مسیحی همان منجی پیروز و زن نیز مادر باکره و همان «حوّای دوم» است. قدیس ژوستین شهید(د.۱۶۲م.)نخستین گواه این ادّعا است. او چنین می گوید: «او که از باکره مولود شد انسان گردید تا آن نافرمانی‌ای را که به واسطهٔ مار به وجود آمده بود به همان شیوه ای که آغاز شده بود پایان دهد؛ زیرا حوّا تا آن زمان باکره ای سالم بود از سخنان مار فریفته شد و نافرمانی و مرگ را به دنیا آورد. اما مریم باکره با ایمان و شادمانی پرشد، آن هنگام که جبرئیل فرشته این بشارت سرورآمیز را به وی دادکه روح خدا بر او خواهد آمد، قدیس ایرنیوس(د.۲۰۲م.)که اولین متفکر الهی درباره مریم خوانده می شود این مقایسه را به این صورت بسط و توسعه می دهد: «حوا که زن آدم و با این حال هنوز باکره بود. . . نافرمانی کرد و بنابراین مرگ را بر خود و تمام نسل بشری آورد. مریم نیز که مانند حوا نامزد شده و در عین حال باکره بود، به وسیله اطاعت خویش باعث نجات خود و تمام نسل بشرگردید. . . اگر چه یکی نسبت به خدا نافرمانی کرد، دیگری اطاعت را به جا آورد و بنابراین مریم باکره شفیع و مدافع حوای باکره گردید و هم‌چنان که نسل بشر به وسیله یک باکره به مرگ محکوم شد به همین

شکل نیز به واسطه اطاعت باکره ای دیگر به تعادل می رسد». نویسندگان بعدی مسیحی کاربرد تفکّر حوای نوین را گسترده ترکردند. قدیس آمپروز(د.۴۲۰م.) می گفت: «حوا مادر نسل بشر نامیده می شود. اما مریم مادر نجات». او این مقایسه را به شکل یک قاعده کلی بیان می کند: مرگ از طریق حوّا حیات از طریق مریم. قدیس افریم (د.۳۷۵م.) گفت: «شکوه دوست داشتنی انسان که از طریق حوا از بین رفت از طریق مردم به انسان بازگشت. این مار بود که پاشنه حوا را زد، این پای مریم بود که مار را لگدکوب کرد» (بهرام محمدیان و دیگران،۴۰۵). در حدود هفتصد سال پیش از آبستنی حضرت مریم نیز در عهد قدیم اشعیای نبی درباره باکره بودن و وعده ظهور مسیح نوشت: «خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید (اشعیاء،۱۴/۷).

مریم مقدس در عهد جدید

گرچه مریم در عهد جدید حضور کمرنگی دارد و تنها بخشی محدود از زندگانی وی در کتاب مقدس گزارش شده است، اما منشا و زیربنای شخصیت مقدس وی، همان مطالب موجود درکتاب مقدس است. مریم به عقد یوسف درآمده بود و قبل از آن که به خانه شوهر برود به وسیلۀ روح القدس آبستن شد(متی،۱۸/۱). جبرئیل فرشتۀ الهی بارداری مریم از روح القدس را به خود وی(لوقا،۳۵/۱) وهمسرش یوسف (متی،۲۰/۱)یادآوری کرد. بنابراین باکره و دوشیزه(متی،۲۳/۱و۲۵ ؛لوقا،۳۴/۱؛ دورانت،۶۵۸/۳؛ رابرتسون،۲۵؛ وورست،۵۹) بود که آبستن شد و معجزۀ الهی روی داد و عیسی را به دنیا آورد. جبرئیل امین بر مریم وارد شد(کلارک،۹؛ لوقا،۲۶/۱و۲۷؛ هاکس،۲۷۸) و گفت: سلام ای کسی که مورد لطف هستی، خداوند با تو است. مریم از آنچه فرشته گفت مضطرب شد و ندانست که معنی سلام چیست. فرشته به اوگفت: ای مریم! نترس؛ زیرا خداوند به تو لطف فرموده است. توآبستن خواهی شد و پسری خواهی زایید و نام او را عیسی خواهی گذارد... . مریم به فرشته گفت: این چگونه

ممکن است؟ من با هیچ مردی رابطه نداشته ام. فرشته به او پاسخ داد: روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند... . مریم گفت: باشد، من کنیز خداوند هستم، همان‌طور که تو گفتی بشود. فرشته از پیش او رفت (لوقا، ۲۸/۱–۳۵). در این گفتگوی حضرت مریم با فرشته وحی الهی «برگزیدگی مریم»، «لطف الهی نسبت به وی»، «تصریح بر باکره بودن او»، «آبستنی باقدرت الهی و فرود روح القدس بر وی» و «روحیه تسلیم و فرمانبرداری مریم» نمایانگرشخصیت مقدس آن حضرت است. مریم با الیزابت مادر یحیی دیدارکرد، به خانه زکریا وارد شد بر الیزابت سلام کرد. با شنیدن سلام مریم بچه در رحم الیزابت تکان خورد و از روح القدس پر شد و با صدای بلند به مریم گفت: تو در بین زنان «متبارک» هستی و مبارک است ثمره رحم تو! من کی‌ام که مادر خداوندم به دیدنم بیاید؟ همین که سلام تو به گوش من رسید بچه از شادی در رحم من تکان خورد(لوقا،۳۹/۱–۴۴). در گفتگوی این دو زن با ایمان و با تقوا، مادر پیامبر خدا یحیی مریم را وجودی «متبارک» و «مادر خداوند» نامیده و با دریافت سلام مریم از روح القدس پرشده است. در پایان این گفتگو، حضرت مریم سخنی گفت که مهم‌ترین سخن وی در کتاب مقدس است(کاکس،۶۹و۷۰). او در این سخن خودش را کنیز حقیر و ناچیز خدا شمرده و خدا را به دلیل لطفش بر خود ستوده و تأثیر مهمی را که عیسی بر جهان خواهد گذاشت پیشگویی کرده است. مهم ترین سخنی که در کتاب مقدس از حضرت مریم مادر مسیح آمده همین سخنان آتشین است. او در این سخن تأثیر مهمی را که عیسی بر جهان خواهد گذاشت پیشگویی کرده و چند نمونه از اقدام‌های انقلابی آن حضرت را بر شمرده است. وی در این سخن که به سرود مریم شهرت یافت می گوید: جان من خداوند را می ستاید و روح من در نجات دهنده من، خدا، شادی می کند؛ چون او به کنیز ناچیز خود نظر لطف داشته است. از این پس همه نسل ها مرا خوشبخت خواهند خواند؛ زیرا آن قادر مطلق کارهای بزرگی برای من کرده است. نام او مقدس است، رحمت او پشت در پشت برای کسانی است

که از او می ترسند، دست خداوند با قدرت کارکرده است، متکبران را با خیال‌های دلشان تار و مار کرده، و زورمندان را از تخت های شان به زیر افکنده، و فروتنان را سربلند کرده است. همو گرسنگان را با چیزهای نیکو سیر کرده و ثروتمندان را تهی دست روانه ساخته است. به محبت پایدارخود، از بنده خود اسرائیل حمایت کرده است، همان‌طور که به اجداد ما یعنی به ابراهیم و به اولاد او تا به ابد وعده داد (لوقا،۴۶/۱–۵۵). این گزارش از کارها و اقدام‌های انقلابی عیسی از مادرش حضرت مریم گزارش واقعی از زندگانی یک انقلابی بزرگ است. فروپاشی حکومت دیکتاتورها و نابودی طاغوت هاو زورمندان،تارومار کردن متکبران و گردنکشان،گرفتن ثروت سرمایه داران و سیرکردن گرسنگان بخشی ازاقدام‌های زیر بنایی و بنیادی عیسی در مسیر انقلاب اجتماعی و سیاسی دینی است. هاروی کاکس با اشاره به این سخن حضرت مریم می گوید: این سروده که «تسبیح مریم» خوانده می شود، ارزش‌های فرمانبرداری و تسلیم خدا بودن را به شدت ارج می نهد. در این جا مریم ازپراکنده کردن متکبران، خوارکردن حاکمان امپراتوری، غذا دادن به گرسنگان و دست خالی روانه کردن ثروتمندان سخن می گوید. هیچ عجیب نیست که مریم گاهی الهام بخش جنبش‌هایی ازنوع قیام اجتماعی بوده باشد. برای مثال گروه‌های انقلابی روستایی مکزیکی امیلیانوزاپاتا (Emiliano Zapata) در مکزیکوسیتی در حالی راهپیمایی می کنند که تصاویری از خانم گوادالوپ (Guadalupe) یکی ازظهورهای مریم را در نوارهای کلاه‌های خود قرار داده اند(کاکس،۷۰و۷۱). مریم سه ماه نزد الیزابت ماند و سپس به منزل خود بازگشت (لوقا،۵۶/۱). وی در عصر زمامداری هیرودیس در بیت لحم عیسی را به دنیا آورد (متی،۱/۲ ؛لوقا،۱/۲–۷)، گفتگوی فرشته با چوپانان در اطراف جایگاه زایش عیسی را شنید و درباره آن عمیقاً اندیشید(لوقا،۸/۲–۱۹). مجوسیانی که از مشرق برای دیدن و پرستش عیسی به اورشلیم آمده بودند در بیت لحم حضرت مریم و عیسی را دیدند، بی نهایت خوشحال شدند، به روی درافتادند و او را پرستش کردند و هدایای

خود را به او تقدیم داشتند(متی،۲/۱-۱۲) مریم با همسر و فرزندش به مصر(متی،۱۳/۲-۱۵) و از آنجا به ناصره رفت و در آن‌جا ساکن گردید(متی،۲۳/۲). در دامن مریم، عیسی بزرگ و تربیت شد، به رسالت وپیامبری برانگیخته شد و مردم را دعوت کرد. زمانی هم که به صلیب کشیده شد فرزندش در پای دار حاضربود و درد و رنج او را مشاهده کرد وقتی عیسی مادر خود را دید که کنار یوحنا، شاگردی که دوستش می داشت، ایستاده است به مادر گفت: مادر این پسر تو است و به شاگرد خود گفت: این مادر تو است و یوحنا او را به خانه خود برد(یوحنا،۲۵/۱۹-۲۷). گرچه درکتاب مقدس دو برخورد سرد از عیسی نسبت به مادرش گزارش شده است(متی،۴۶/۱۲-۵۰؛ مرقس،۳۱/۳-۳۵؛ لوقا،۱۹/۸-۲۱؛ یوحنا،۱/۲-۵)، اما در آستانه رحلت زمانی که روی صلیب رنج می دید مادر خود را از یاد نبرد و شاگرد محبوب خود یوحنا را مأمور نگهداری او کرد(یوحنا،۲۵/۱۹-۲۷؛ کلارک،۲۷۶).

سیر صعودی احترام مریم مقدس در کلیسا

اعتبار، احترام و قداست حضرت مریم در نزد مسیحیان و در کلیسا به تدریج افزایش یافت. سران مسیحیان جهان در شوراهای عمومی، «احکام» جدیدی درباره حضرت مریم صادر کردند و تصمیم‌های مهمی گرفتند. وی در الهیات مسیحی و زندگانی کلیسایی موقعیت خاصی پیدا کرد. کلیسا «چهارحقیقت» را درباره حضرت مریم به شیوه‌ای رسمی و جدّی اعلام کرده است: «مادرخدا»، «بکارت مادام العمر»، «لقاح مطهرو آزادی از گناه نخستین» و«صعود به آسمان». این چهار امتیاز در اصول دین مسیحیت قرارگرفت و اعتقاد و ایمان به آن‌ها بر همگان لازم شمرده شد. به سال ۴۳۱م. سومین شورای جهانی کلیسا در افسس تشکیل شد. در متن بیانیه ای که این شورا صادر کرد پس از تأکید بر خدای کامل و انسان کامل بودن عیسای مسیح و همذاتی خدای پسر و پدر آمده است: برطبق این ادراک از وحدت اختلاط ناپذیر دو طبیعت، ما اعتراف می کنیم که باکره مقدس مادر خدا است، زیرا کلمهٔ خدا متجسم و انسان شد و

از زمان لقاح خود کلمهٔ بدنی را که از مریم مقدس گرفته بود با خود متحد کرد (لین،۹۷). بنابراین، شورای افسس «مادر خدا» را به جای «مادرمسیح» به کار برد و قداست حضرت مریم را افزایش داد و از ایشان با لقب مادر خدا یاد کرد (دورانت،۱۰۰۲/۴؛ کونگ،۱۶۷؛ مولند،۵۲). اعتقاد نامه‌ای که شورای کلسدون به سال ۴۵۱م. تصویب کرد دربارهٔ باکره بودن و مادر خدا بودن مسیح می گوید:عیسی مسیح پیش ازخلقت جهان، از خدای پدر در مقام خدا به وجود آمده بود که در روزهای آخر از مریم«باکره»،«مادرخدا»همچون انسان به دنیا آمد (لین،۱۰۵). در دومین شورای قسطنطنیه به سال ۵۵۳م. آموزه «بکارت همیشگی»حضرت مریم در آموزه‌های رسمی کلیسا قرارگرفت: بنابراین، او پیش از تولد عیسی و در حال تولد و پس از آن تا آخر عمر باکره بوده است(مولند،۵۲،۵۳و۹۷) کاتولیک‌ها برای تثبیت آموزه همیشه باکره بودن حضرت مریم آنچه را در کتاب مقدس دربارهٔ خواهران و برادران عیسی مسیح بود به خویشاوندان وی تأویل کردند(زیبایی نژاد،۲۴۵؛ مولند،۹۷). در نوزدهمین شورای عمومی و جهانی کلیسا، شورای ترنت در قرن ششم میلادی به طورکلی مریم مقدس عاری ازگناه نخستین شناخته شد(لین،۳۶۰،۳۶۱و۴۷۶؛ زیبایی‌نژاد،۲۸). در قرن هفتم عصمت و عاری از گناه بودن مریم باکره پذیرش عمومی یافت. جای این سؤال وجود داشت که چه زمانی وی ازگناه وارسته شده است؟ داتراسکوتوس این نظررا مطرح کرد که لقاح حضرت مریم لقاح مطهربوده است و از همان لحظه لقاح، وی از هرگناهی پاک بوده است. درسال ۱۸۵۴م. پاپ پیوس نهم در یک فرمان آموزه لقاح مطهر و آبستنی معصومانه را یکی از اصول ایمانی کلیسا قرارداد(لین،۴۷۶؛ دورانت،۱۰۰۴/۴). او حکم کردکه مادر عیسی از همه لوازم سقوط آدم و نتایج گناه آلود برای بقیّه انسانیت کاملاً پاک است. این حکم اوج احترام روزافزون به مریم از نیمه دوم قرون وسطا است (وورست،۴۴۷؛ لین،۴۷۶و۴۷۷). او با وضع یک قاعده، مسئلهٔ عصمت و طهارت مریم عذرا را طرح کرد و آن را یکی از اصول دین مسیحیت اعلام داشت(مولند،۹۷). بر طبق

این اصل هر کاتولیک مؤمنی باید معتقد شود که مریم، مادر عیسی، برای آن کـه اهلیّـت و استحقاق مادری عیسای مسیح را داشته باشد از گناه اصلی و ذنب ازلی پـاک بـوده و بالفطره طاهرو معصوم متولدشده است(ناس،۶۹۱). متن فرمان پـاپی پیـوس نهـم چنـین بود: از آن‌جا که ما باتواضع و روزه، هرگز از تقدیم دعاهای خود و کلیسا به خدای پدر از طریق پسرش دست بر نداشته‌ایم، تا از روی لطف، ذهن ما را با قدرت روح القـدس هدایت و تقویت کند، پس از کمک خواستن از همه سپاه آسمانی و توسل در حال زانو زدن به روح القدس فارقلیط، با الهام او و برای احترام به تثلیث مقدس و تقسیم ناپـذیر و برای شکوه و زینت «باکره مقدس»، «مادرخدا»، و بـرای سـتایش ایمـان کـاتولیکی و برای ترویج دین مسیحی، بااقتدار، اعلام و اظهار و تعریف می کنیم: مریم باکره متبـارک از همان نخستین لحظه لقاح و بارداری‌اش، به فیض و رحمت ویژه و بی نظیـر خـدای قادر مطلق، نظر به فضیلت و شایستگی‌های عیسی مسیح منجی بشریت از هر اثـر گنـاه اولیه حفظ شده و مطهرو مبرا بوده است. این آموزه، اعتقادی است که خدا آن را وحـی کرده و توسط خدا مکشوف شده است. بنابراین، همـهٔ مؤمنـان بایـد از صـمیم قلـب و پیوسته به این آموزه ایمان داشته باشند(وورست،۴۴۷و۴۴۸؛ لین،۴۷۶و۴۷۷). ایـن اصـل لقاح مطهر و آبستنی معصومانه از اصول ایمـانی اصـلاح نشـدنی و خطاناپـذیر پـاپی و دائمی کلیسا است(لین،۴۷۵). در شورای واتیکانی اول۱۸۷۰م. آموزهٔ لقاح مطهر یکـی از ارکان مسیحیت شناخته شد(بستانی،۷۸۴/۵؛ لـین،۴۷۸). پـاپ لئوسـیزدهم در۱۸۹۱م. در بخشنامهٔ پاپی اعلام داشت: همان گونه که خدا خود اراده کرده است، هیچ چیزی جز به وسیله مریم ازسوی او به ما بخشیده نمی شود. بنابراین، همان‌طور که هیچ کس جـز بـه وسیله پسرنمی تواند به پدر اعلی نزدیک شود، به همـین صـورت نیـز هـیچ کـس جـز توسط مادر مسیح، نمی تواند به پسر نزدیک شـود(لـین،۴۸۴). بـاور «صـعود و معـراج حضرت مریم» نخستین بار در قرن چهارم میلادی در کتـاب «مراجعـت مـریم مقـدس» منسوب به پاپ هیلیاریوس مطرح شده است: مریم که پس از به صلیب کشـیدن عیسـی

و رستاخیز و صعود وی زنده بوده است ۲۲ سال پس از مرگ عیسای مسیح توسط فرشتگان به آسمان برده شده است(آشتیانی،۱۴۶). درقرن بیستم، پاپ پیوس دوازدهم در سال ۱۹۵۰م. در مرامنامهٔ رسالتی خود، باور«صعود و معراج حضرت مریم پس از مرگ» را جزو اصول ایمانی مسیحیت و عقیدهٔ دینی ضروری تعریف کرد(مولند،۱۸۰؛ لین،۴۱۷،۴۱۸و۴۸۳). کارل گوستاویونگ (Carl Gustar Jung) زمانی نوشت: اعلام عقیده «صعود مریم» درسال ۱۹۵۰م. مهم ترین حادثه در جهان مسیحیت از زمان اصلاحات بود، چون جنس مونث را تا مکان امنی در الوهیت بالا برد(کاکس،۷۱). در بیانیه و مرامنامه رسالتی پاپ پیوس دوازدهم آمده است: از آنجا که عیسی مسیح قادربوده حضرت مریم را چنان مکرم بدارد که وی را از فساد قبر محفوظ نگاه دارد، ما باید ایمان داشته باشیم که وی چنین کرده است... . مادر شوکتمند خدا... در نهایت به عنوان تاجی که مکمّل امتیازهای اوبود، برای این‌که از فساد قبر در امان ماند، همچون پسر خود که قبل از وی چنین شد، برای غلبه بر مرگ، باید با بدن و جان خود در جلال الهی ملکوتی برافراشته می‌شد تا در آن‌جا، بر دست راست خود، پادشاه نامیرای همهٔ اعصار، همچون ملکه حکمروایی کند(لین،۴۸۳). پاپ پیوس دوازدهم چند بار ویژگی‌های مربوط به مریم را در دینداری عمومی مورد التفات و تأیید قرار داد. وی در هشتم دسامبر سال ۱۹۴۲م. سراسر جهان را به قلب پاک مریم اهدا کرد تا به آرزوی مریم در مادونای فاتمه تحقق بخشیده باشد. ابتدا پرتغال به تنهایی در هفته های اول این اهدا را دریافت کرد. بعد در ۱۹۴۷م. این امر برای کانادا تکرار شد و نیز در ۱۹۴۹م. برای انگلستان، در۱۹۵۰م. برای فرانسه و در۱۹۴۵م. برای آلمان. پرستش قلب مقدس مریم به اضافه قلب مقدس عیسی جنبه قابل توجهی از دین داری مریمی است که به وسیله پاپ تثبیت شده است(مولند،۱۸۱). در شورای واتیکانی دوم ۱۹۶۵م. آموزه مریم در فصل نهایی سند قرار گرفت و در آن تمام آموزه های سنتی در مورد مریم، از جمله آموزه های لقاح مطهر و صعود وی به آسمان مجدداً تصدیق شد، نقش مریم در امر

نجات به روشنی تعریف گردید و تصریح شد رضایت خاطر وی برای تجسم عیسی ضرورت داشت و فعالانه در امرنجات انسان ها با مسیح همکاری دارد و وی به جهان حیات می بخشد، مرگ توسط حوا وحیات توسط مریم نازل شده است و هنگامی که عیسی بر صلیب رنج می کشید وی نیز در رنج کشیدن با عیسی با وی متحد گشت. مریم شفیع است یعنی کسی که بین ما و خدا شفاعت می کند و این به هیچ وجه واسطه بودن مسیح را کم رنگ نمی سازد یا آن را خدشه دار نمی کند. بلکه قدرت آن را نشان می دهد(لین،۴۹۰؛ محمدیان و دیگران،۴۱۰). ویل دورانت دربارهٔ جایگاه مریم در مسیحیت و رشد پایگاه مردمی مریم در مسیحیت نوشته است: خود مردم در باغ معنوی قرون وسطی، زیباترین گل را به وجود آوردند و مریم را محبوب ترین شخصیت تاریخ کردند... . مردم، به میل و نظرخویش، رعب‌هایی را که علمای الهی توصیف کرده بودند به کمک شفقت مادر مسیح کاهش دادند. از این‌رو، گناهکاران برای تقرّب به مسیح دست به دامان مریم می زدند که هیچ کس را نمی راند و فرزندش نمی‌توانست شفاعت او را بپذیرد. رهبانی کایساریوس نام، اهل هایستر باخ نقل می‌کند... . یکی از برادران عامی فرقه سیسترسیان را شنید که در مناجات خویش به عیسی می گفت: خداوندا اگر تو مرا از بند این وسوسه نرهانی شکایت تو را به مادرت خواهم کرد. مؤمنان آن قدر مریم عذرا را شفیع می ساختند و به درگاهش دعا می‌کردند که عیسی در اذهان مردم به صورت مردی حسود در آمده بود... . در واقع مادر، یعنی قدیمی ترین شخص در آیین پرستش به صورت سومین اقنوم از اقانیم ثلاثه جدید درآمد. همه کس در تمجید و عشق نسبت به وی شریک شدند... . احساساتی ترین اشعار قرون وسطی سرود روحانی ای بود که با شعور و گرمی تمام جلالش را اعلام می داشت و کمکش را خواستار می شد. صورت‌هایی از وی همه جا، حتی درگوشه معابر، چهار راه‌ها و کشتزارها نصب شد. سرانجام، درقرون دوازدهم و سیزدهم، با عالی‌ترین تجلیات احساسات مذهبی در تاریخ، فقیر و غنی، خرد و کلان، روحانی و

عوام، و هنرمند و صنعتگر اندوخته ها و مهارت‌های خویش را بـرای تجلیـل و تکـریم مریم در هزاران کلیسای فخیم به کاربردند. این کلیساها تقریبا همه به نام وی بودنـد یـا نمازخانه مخصوصی را به عنوان باشکوه‌ترین قسمت کلیسا به زیارتگـاه وی اختصـاص داده بودند. دین جدیدی پدید آمده بود و شاید مذهب کاتولیـک بـا جـذب ایـن کـیش نوین پایدار ماند. یک انجیل مریم به وجود آمد که مقامات شـرع را درآن دسـتی، نبـود عقل از تصورآن حیران می ماند و لطافت آن به وصف در نمی آمد. مردم افسـانه هـا را خلق می کردند و راهبان آن‌ها را بـه کتابـت در مـی آوردنـد. ویـل دورانـت در ادامـه گزارش مریم گرایی مسیحی مردمی تعدادی از داستان های راجع به قـدرت و شـفاعت مریم را آورده و نوشته است: کلیسا نمی توانست به این گونـه داسـتان هـا روی موافـق نشان دهد. لکن حوادث مهم زندگانی مریم را به صورت جشـن‌هـا و اعیـاد بزرگـی در آورد. از آن جمله بود: عید بشارت، عید دیدار مریم، تطهیر عذرا و عید صعود مـریم... . مریم پرستی مذهب کاتولیک را از صورت یک مذهب رعب آور که شـاید بـرای قـرون تیرگی ضروری بود به یک مذهب ترحم و محبت مبدل کرد... کلیسا در هنرهای زیبـا و سـرودهای روحـانی و لیتـورژی، از سـر عقـل، جـایی بـرای مـریم پرسـتی بـازکرد (دورانت،۱۰۰۲/۴-۱۰۰۵). حرمت وقداسـت فـوق العـاده و بـی انتهـای مـریم در بـین مسیحیان ازگفتار و رفتار آنان روشن می شود: جشـن هـا و اعیـادی کـه بـه نـام و یـاد حضرت مریم در مسیحیت به وجود آمد نشانه تعظیم و تکریم فراوان و بی حد و حصر مسیحیان برای مریم است. علاوه بر جشن‌های عیـد بشـارت، عیـد دیـدار مـریم، عیـد بارداری پاک(کاکس،۲۸) و عید صعود جسمانی و روحانی مریم بـه آسـمان(الـدر،۵۱)، پاپ پیوس دوازدهم جشنواره جدیدی را به افتخار مریم به عنوان«ملکه آسمان و زمین» پی ریزی کرد که باید درسی و یکم ماه مه هر سال برگزارشود. این مکمّلی اسـت بـرای جشن مسیح پادشاه که از سابق برگزار می‌شده اسـت (مولنـد،۱۸۱). هـاروی کـاکس بـا اشاره به برخی اختلاف‌ها بین مذاهب مسیحی دربارۀ حضرت مریم می نویسد: با وجود

این اختلاف‌های عقیدتی درباره مریم، باز هم او تقریباً در میان همه مسیحیان چهـره ای بسیار محبوب و محترم است. اویک چهرهٔ محوری بـرای پرسـتش عمـومی و موضـوع مناسبی برای هنرمندان است (صدها تصویر مریم مربوط به رنسـانس ایتالیـا را در نظـر آورید). او در چوب، سنگ، پلاستیک و سیمان، درحالی که نوزادی را در بغل گرفتـه و یا بدون وی، بر روی داشبورد اتومبیل‌ها و طاقچه ها و در بـاغ‌هـا، حیـاط‌هـای جلـو و سرداب‌ها، در هر جای جهان به صورت آرامی ایستاده است. برخی از مردم معتقدند که او باز در مکان هایی مانند لورد، فاطیما و اخیراً مدیوگوری در یوگسـلاوی، بـه منظـور الهام، تشویق و آموزش کسانی که خواهند شنید، ظاهرمی شود. پس از «دعای خداونـد» که عیسی به شاگردانش تعلیم داد، دعای «سلام بـر مـریم» احتمـالاً بـیش از هـر دعـای دیگری در جهان مسیحیت خوانده می شـود(کـاکس،۶۸و۶۹). کـارل هـاینس دشـنر در زمینه حضور و نقش مریم مقدس در نبردهای مسیحیان می گوید: به نام عیسی مسیح و به نام مادر مقدس، در همهٔ جبهه ها، اسقف‌های اسـپانیا شـادی مـی کردنـد... . درسـت مانند جنگ حبشه، برای سربازان فرانکو نیز مادر مقـدس نقـش مهمـی بـازی مـی‌کـرد، مدافعان شهر الکازار و حتی فرماندهٔ آن‌هـا، همگـی خـود را سـربازان و فـدائیان مـریم مقدس می دانستند، یا آن‌گونه که اسقف دیازه‌ی. گومارس گفته اسـت: جنگجویـان مـا نجات دهنده مریم باکره اند و فاتح دشمن نابکار. رزمندگان صلیبی شمایل مریم مقدس را در سوگواری‌ها حمل می کردند(هاینس دشنر،۳۷و۳۸).

حکم اهانت به مریم مقدس

تصور جایگاه بی نظیری که مسیحیت برای تنها شخصیت مقـدس مهـم خـویش قائل، از جنبش زنان، است راهنمای پژوهشگران دینی به سوی درک حکم انکار مقام‌ها، فضایل و درجات مریم مقدس واهانت به این شخصـیت مقـدس بـزرگ اسـت. دختـر باکره‌ای که روح القدس بر وی وارد شـد و آبسـتنی و زایـش معجـزه آسـای مسـیح را

پذیرفت، با ولادت حضرت عیسی در به وجود آوردن دین مسیحیت نقش اساسی داشت، جبرئیل امین بر وی نازل شده است و در رنج های دوران بعثت عیسی و به صلیب کشیدن وی شریک بود و مسیحیان جهان او را «پاک ازگناه» و «مادرخدا» و «ملکه آسمان و زمین» و «شریک عیسی در نجات بشر» می نامند هرگزاسائه ادب و بی حرمتی را نمی‌پذیرد و کوچکترین اهانت به وی گناهی بسیار بزرگ و جرمی سنگین و خطرناک است. امتیازهای فراوان و ارزشمند و صفات ویژه الهی بی نظیر، زیر بنای تعظیم، تکریم و تقدیس حضرت مریم شده و همگان را به تجلیل و بزرگداشت وی وا داشته است. این امتیازها چنان قداست و قدرتی به مریم داد که سرکشان و شکاکان و هجاگویان و کفرگویان را نیز از بی حرمتی به وی بازداشت و درعمل اهانت به وی غیرممکن گردید. ویل دورانت این سطح گریز از بی حرمتی و اهانت گریزی را گزارش کرده است: سرکشانی چون آبلار، سر در برابر مریم خم کردند. هجاگویانی چون روتبوف وشکاکان لاف و گزاف گویی مانند دانشوران خانه به دوش هرگزجرئت نکردند کلمه ای نسبت به او بی حرمتی کنند. شهسواران قسم خوردند که خود را وقف خدمت وی کنند و شهرها کلیدهای خود را در پای تندیس وی می نهادند. طبقه بورژوازی در حال رشد مریم را مظهرتقدیس مادری و خانواده دید. مردان خشن اصناف ،حتی دلاوران کفرگوی سربازخانه ها و میدان‌های جنگ، در برداشتن دعا به درگاه مریم و نهادن تحفه‌ها به پای پیکره او با دختران دهاتی و مادران محرومیت چشیده رقابت می کردند(دورانت،۱۰۰۳/۴). کایساریوس راهب اهل هایستر باخ می‌گوید: شیطان جوانی را فریفت تا به امید ثروتی سرشار مسیح را انکار کند. لکن هر چه وسوسه کرد جوان حاضربه انکار مریم نشد. هنگامی که جوان توبه کرد، مریم عذرا فرزند خویش را ترغیب کرد تا جوان را ببخشاید(دورانت،۱۰۰۲/۴و۱۰۰۳). مسیحیان عدم پذیرش هریک از امتیازهای مریم مقدس را نکوهش کرده و مستوجب مجازات دانسته اند. نستوریوس اسقف قسطنطنیه در قرن پنجم بود. وی لقب «مادرخدا» برای

مریم را رد کرد. سیریل اسکندریه ای نامه ای شـدیداللحن بـه نسـتوریوس نوشـت و از وی خواست دوازده «ملعون باد» را امضا کند؛ یعنی دوازده گزاره ای را که سیریل آن‌هـا را بیانگر افکار بدعت آمیز او می دانست محکوم کنـد. نسـتوریوس نپـذیرفت. شـورای افسس وی را از مقام اسقفی خلع کرد. نخستین «ملعون باد» در موضوع «مادرخدا» بودن مریم بود. در آن «ملعون باد» آمده بود: اگرکسی اعتراف نکند باکرهٔ مقـدس، مـادر خـدا است و نیز اگر اعتراف نکند که او در جسم خود کلمه خدا را که جسم گردید بـه دنیـا آورد ملعون باد(لین،۹۲-۹۵). پاپ پیوس نهم در سال ۱۸۵۴م. در حکمـی کـه آبسـتنی بدون آلودگی مریم و پاکی و عصمت وی از گناه نخستین را اعلام داشت در پی تاکیـد بر ضرورت ایمان قاطع وپیوسته همه مسیحیان به طهارت مریم نوشت: پس اگـر کسـی خدای نخواسته جرأت کند و دردل خود به گونه ای دیگرغیر از آنچه ما بیان کرده ایـم، بیندیشد باید بداند و کاملاً بفهمد که با داوری خویش محکوم خواهد شـد. وی کشـتی ایمانش را در هم شکسته و از وحدت کلیسا دور افتاده است. افزون بر این، طبق همـین حکم، اگر با گفتاریا نوشتاریا هر وسیلهٔ دیگر،آنچه را در دلش مـی اندیشـد بیـان کنـد، خـودش را در معـرض کیفرهـایی کـه در قـانون مقررشـده اسـت قرارخواهـدداد (وان وورست،۴۴۸؛ الـدر،۵۱). پـاپ در ایـن حکـم حتـی «اندیشـه» ناهماهنـگ بـا آبسـتنی معصومانهٔ مریم را محکوم کرده و در هم شکستن ایمان و دور افتادن ازکلیسا دانسـته و گفتار و نوشتاری غیر از این آموزهٔ پاپی پیرامون مریم مقـدس را مسـتحق کیفـر قـانونی شناخته است. اگر اندیشه یا گفتار و نوشتاری که با آموزه پاپی درباره پـاکی و عصـمت مریم مطابق نباشد بی حرمتی تلقی شود و مستوجب مجازات باشـد قطعـا و بـه طریـق اولی، اهانت به آن حضرت، عامل محکومیت و در هم شکسته شدن ایمان و دور افتادن از کلیسا و شایسته کیفر و مجازات است. پاپ پیوس دوازدهم در نوامبر۱۹۵۰م. صـعود و عروج مریم را در اصول عقاید کلیسا قرار داد. در این حکـم وی کسـانی کـه جـرأت انکار یا شک در آن را به خود راه دادند محکوم شدند که «آن‌ها کاملاً از دیانت و ایمـان

کاتولیک دورشده اند»(مولند،ص۱۸۰). در صورتی که تنها نپذیرفتن یک ویژگی مریم مقدس مستلزم دوری کامل از دیانت و ایمان کاتولیکی باشد، قطعاً و حتماً اهانت به وی چنین وضعی بلکه سخت تر از آن را خواهد داشت.

حکم اهانت به مریم مقدس در دادگاه تفتیش عقاید

برخورد و مبارزه با بدعتگذاران، مرتدان، کافران و اهانت کنندگان در زمان حضرت عیسی مسیح و رسولان وی آغاز شد و همواره وجود داشته است و اکنون نیزادامه دارد. در زمانی که کلیسا به رهبری پاپ بزرگ ترین قدرت اروپا و جهان میسیحیت بود (بکراش،۱۵،۱۶،۲۳و۲۷؛ فلاورز،۱۳،۱۶،۱۷و۱۲۰؛ بازرگان،۳۰؛ لین،۱۱۱،۱۴۷و۲۴۱) دادگاه تفتیش عقاید کلیسایی با استناد به کتاب مقدس(انجیل متی،۸/۱۸و۹؛ انجیل مرقس،۴۳/۱۰-۴۸؛ انجیل لوقا،۱۵/۱۴-۲۳؛ انجیل یوحنا،۶/۱۵؛ اول قرنتیان،۱/۶-۳؛ رومیان،۱/۱۳-۴) و سنت مسیحی(لین،۸۵؛ کونگ،۹۷؛ لاک،۹؛ بکراش،۹،۱۱،۱۲،۴۱،۴۲،۹۶و۱۲۶؛ دورانت،۱۰۴۴/۴و۱۰۴۵ ؛هگل،۷۹)در آغاز قرن سیزدهم به فرمان رسمی پاپ اینوکنتیوس سوم(دورانت،۱۰۴۰/۴ و۱۰۴۸؛ بکراش،۲۳و۲۴)پدید آمد و با حمایت پاپ گری گوری نهم به یک تشکیلات کلیسایی بین المللی با قدرت و نفوذ فوق العاده تبدیل شد(بکراش،۲۷). این تشکیلات بسیار مجهّز و عظیم، با امکانات فراوان کلیسا، تا پایان قرن هجدهم، به صورت آشکار و سراسری با اعمال قدرت پاپ ادامه یافت(فرآل،۵۳۲و۵۲۳). ولی به تدریج با ضعف قدرت دینوی کلیسا و پاپ محدود شد(بکراش،۷و۸و۱۲۷و۱۳۰و۱۳۱). دادگاه تفتیش عقاید در این شش قرن با هدایت و نظارت مستقیم پاپ ها استمرار یافت و در این مدت تمام ۷۶پاپ کلیسای رومی و واتیکان(عبدخدایی،۴۴۵و۴۴۵)اصل دادگاه را پذیرفته، رفتار دادگاه را تأیید و همواره از آن پشتیبانی کرده‌اند. بنابراین، کارنامه و رفتار این دادگاه شرعی دینی، منبع مهمی برای کشف نظریهٔ مسیحیت دربارهٔ دفاع از مقدسات و شناسایی حکم شرعی و مجازات اهانت کنندگان به شخصیّت مقدس

حضرت مریم است. در فهرست جرم‌ها و اتهام‌های زندانیان و کسانی که در دادگاه مقدس تفتیش عقاید مجازات شدند، اهانت به مریم مقدس جرم بسیار بزرگ و خطرناک بود(مارتینی،۴۵؛ وایت،۱۹؛ بکراش،۱۷؛ لین،۹۲-۹۵؛ وان وورست،۴۴۸؛ الدر،۵۱؛ مولند،۱۸۰) و کیفر و مجازات سنگین زندان، شکنجه، زنده سوزاندن، خفه کردن و سوزاندن و به صلیب کشیدن را در پی داشت(وایت،۴۳؛ دورانت، ۱۰۴۶/۴، ۱۰۵۲ و ۱۰۵۴ و ۲۷۴/۷، ۷۲۳، ۷۳۰، ۷۶۲، ۷۳۲و۷۳۱؛ بکراش،۵۷، ۹۳و۱۰۷-۱۱۱، ۱۱۶، ۱۱۹و۱۲۱؛ مارتینلی،۲۰۹؛ ناس،۶۶۵؛ لون،۲۷؛ مک گراث،۲۱۴؛ آرمسترانگ،۱۷و۱۸).

مجازات اهانت به اقانیم سه گانه

با توجه به روش استنباط احکام شرعی در اسلام، به نظر نویسندهٔ این مقاله می‌رسد که اهانت به مریم مقدس اهانت به اقانیم ثلاثه است. از سویی او «کنیز خدا» بود و «مأموریت الهی» داشت، ازجانب خدا برگزیده شد و با جان و دل این مأموریت الهی را پذیرفت و مورد لطف خدا قرار گرفت و از سوی دیگر قدرت خدای پدر از راه روح القدس بر وی سایه افکند و آبستنی معصومانه وی با نزول روح القدس بر وی تحقق یافت و ازجانب دیگر و مادر خدا، مادر عیسی مسیح است. ازاین رو اهانت به مریم مقدس از روی اراده و اختیار و با اطلاع وآگاهی از لوازم آن، درواقع اهانت به اب و ابن وروح القدس است و مجازات های اهانت به آنان را خواهدداشت. اهانت به مریم مقدس، حکم گناهکاران (انجیل متی،۱۹/۵و۱۰/۱۵-۲۰و۳۱/۲۵-۴۶؛ انجیل مرقس، ۱۴/۷-۲۳؛ انجیل یوحنا، ۲۱/۸-۲۴؛ اول یوحنا،۴/۳-۶، ۸، ۱۰، ۱۲ و ۲۲-۲۴ و ۱/۵-۵، ۱۶، ۱۷ و۲۱/۸، ۲۳و۲۴؛ اول پطرس،۱۷/۴ و۱۸؛ دوم پطرس، ۴/۲ و ۵؛ اول قرنتیان، ۱۶/۳، ۱۷ و ۳۳/۱۵و۳۴؛ دوم قرنتیان،۶/۱۰و۷/۱۳) و بدعت(دوم پطرس،۱/۲-۱۳؛ اول قرنتیان،۱۸/۱۱و۱۹؛ غلاتیان،۲۰/۵و۲۱؛ تیطُس،۱۰/۳و۱۱)و ارتداد(انجیل متی، ۴۱/۱۳ و ۴۲، ۶/۱۸ و ۸ و۹؛ انجیل مرقس،۴۲/۹-۴۸؛ انجیل لوقا،۱/۱۷و۲؛ دوم پطرس،۱۷/۲-۲۲؛

اول تیموتاوس، ۱/۴ و۲؛ عبرانیان، ۴/۶-۸) و کفرگویی (سفرلاویان،۱۱/۲۴و۱۳-۱۶و۲۳؛ انجیل یوحنـا،۲۴/۳-۲۶؛ اول تیموتـاوس،۱۹/۱و۲۰و۷/۴و۸؛ دوم تیموتـاوس،۱۶/۴-۱۸؛ رومیان،۲۵/۱)و نفی و انکار کتاب مقدس(انجیل لوقـا،۲۶/۹؛ انجیـل یوحنـا،۴۸/۱۲؛ اول پطرس،۱۷/۴؛ دوم قرنتیان،۴/-۴؛ دوم تسالوکیان،۷/۱-۹) را دارا است. همچنین اهانت به مریم مقدس در حکم اهانت به روح القدس است و بدگویی و اهانت بـه روح القـدس بر طبق سخن حضرت عیسی در انجیل ازگناهانی است که هرگز بخشیده نخواهـد شـد (انجیل متی،۳۲/۱۲؛ انجیل لوقا،۱۰/۱۲) و مطابق گزارش پطرس رسول، دروغگـویی بـه روح القدس برای آزمایش وی منتهی به مرگ می گردد(اعمال رسولان،۱/۵تا۱۱).

اهانت به مریم مقدس، اهانت به فرزند وی مسیح اسـت. بنـابراین، شـامل آنچـه دربارۀ حکم ردّ و انکارفضـایل و امتیـازات حضـرت مسـیح در کتـاب مقـدس(انجیـل متی،۱۴/۱۰،۱۵،۳۳ و۲۰/۱۱-۲۴و۳۰/۱۲؛ انجیل لوقا،۵/۹و۲۳/۱۱؛ انجیـل مرقسـف۱۱/۶؛ انجیـل یوحنـا،۴۳/۵-۴۶؛ اعمـال رسـولان،۲۳/۳)و سـنت مسـیحیت و فتواهـای پـاپ (بایرنـــاس،۶۳۴و۶۴۶؛ لینـــف۵۱و۸۱-۸۵،۱۱۷،۱۱۸و۱۶۸؛ بازرگـــان،۴۸،۴۹،۵۰و۵۶؛ ُگریدی،۱۷۷-۱۸۲؛ دورانت،۱۰۳۹/۴-۱۰۵۰؛ بکراش،ص۱۹تا۲۱)وجود دارد می شود بـه علاوه تمام آنچه را که کتاب مقدس(انجیـل یوحنـا،۲۲/۵،۲۳و۲۹/۸و۲۳/۱۵-۲۵؛ انجیـل متـی، ۱۱/۵،۱۲و۵۷/۱۳؛ انجیـل مـرقس،۴/۶؛ انجیـل لوقـا،۲۴/۴؛ اول قرنتیـان،۲۷/۱۱-۳۱و۲۵/۱۵؛ اول یوحنا،۱۸/۲،۱۹،۲۲و۳/۴؛ فیلیپیـان،۲۵/۱۵؛ اول تیموتـاوس،۱۲/۱-۱۷) و سنـت مسیحیت و آرای پاپ برای اهانت مستقیم بـه شخصـیّت حضـرت مسـیح ذکـر کرده‌اند بر اهانت کننده به مادر وی جاری است.

منابع

انجیل شریف،ترجمۀ جدیدفارسی،(عهد جدید خداوند و نجات دهندۀ ما عیسی مسـیح که از زبان یونانی ترجمۀ شده است)، ۱۹۸۱م، تهران انتشـارات انجـمن کتـاب مقدس،

تهران، ۱۹۸۱م.

کتاب مقدس(عهد عتیق و عهد جدیدکه از زبان های اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی ترجمهٔ شده است)، ترجمهٔ انجمن کتاب مقدس،چاپ دوم درایران، انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۷۸م.

آرمسترانگ، کارل؛ ***زندگینامهٔ پیامبراسلام محمد صلی الله علیه وآله و سلم***، ترجمهٔ کیانوش حشمتی، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۸۳– ۱۴۲۵ق.

آشتیبانی، جلال الدین؛ ***تحقیقی در دین مسیح***، نشر نگارش، تهران، ۱۳۶۸.

ابطحی، محمد علی؛ ***دیالوک با دانشمندان مسیحی(دین در جهان معاصر)*** طرح نو، تهران، ۱۳۷۹.

الدر، جان؛ ***تاریخ اصلاحات کلیسا***، نورجهان، تهران، ۱۹۴۷م.

انوری، حسن؛ **فرهنگ بزرگ سخن**، سخن، تهران، ۱۳۸۱.

بازرگان، مهدی؛ ***گمراهان (حدیثی مفصل از قرون وسطای مسیحیت در ارتباط با سوره حمد)***، تهران مهر، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲.

بستانی، بطرس؛ ***دایرة المعارف بستانی***، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۰۰م.

بکراش، بورا؛ ***تفتیش عقاید***، ترجمهٔ مهدی حقیقت خواه، ققنوس، تهران،۱۳۸۳.

پالارد، جان؛ ***واتیکان و فاشیسم ایتالیا ۳۲– ۱۹۲۹***، ترجمهٔ مهدی سحابی، نشرمرکز، تهران،۱۳۶۶.

توفیقی، حسین؛ ***آشنایی با ادیان بزرگ***، سمت، ۱۳۸۵.

تیواری، کدارنات؛ ***دین شناسی تطبیقی***، ترجمهٔ مرضیه (لوئیز) شنکایی، سمت، تهران، ۱۳۸۱.

جوویور، مری؛ ***درآمدی به مسیحیت***، ترجمهٔ حسن قنبری، مرکز مطالعات تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۱.

خوری شرتونی لبنانی، سعید؛ ***اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد***، منشورات

مکتبۀ آیت الله العظمی المرعشی، قم، ۱۴۰۳ق.

دانستن، جی، لسلی؛ ***آیین پروتستان***، ترجمۀ عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۱.

دورانت، ویل و آریل؛ ***تاریخ تمدن***؛ ترجمۀ ابوالقاسم طاهری و دیگران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.

دهخدا، علی اکبر؛ ***لغت‌نامه***، زیر نظر محمد معین و جعفر سجادی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

رابرتسون، آرچیبالد؛ ***عیسی ارسطوره یا تاریخ*** ، ترجمۀ حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۸.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ ***المفردات فی غریب القرآن***، دفتر نشرالکتاب، ۱۴۰۴ق.

زمخشری، محمودبن عمر؛ ***اساس البلاغة***، به‌تحقیق عبدالرحیم محمود، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی تا.

زیبایی نژاد ، محمد رضا؛ ***مسیحیت شناسی مقایسه ای***، سروش، تهران، ۱۳۸۴.

شجاعی زند، علیرضا؛ ***عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلام***، انتشارات باز و مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، ۱۳۸۱.

طریحی، فخرالدین؛ ***مجمع البحرین و مطلع النیّرین***، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۶۲.

عبدالله، ناصرعلی؛ ***المعجم البسیط***، انتشارات دانشگاه علوم رضوی، مشهد، ۱۳۸۰.

عبدخدایی، مجتبی؛ ***واتیکان (کلیساهای جهانی کاتولیک)***، انتشارات بین المللی، تهران، ۱۳۸۲.

عمید، حسن؛ ***فرهنگ فارسی***، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.

غوری، یوحنا بطرس؛ ***مختصراللاهوت الادبی***، ترجمۀ از لاتین به عربی توسط یوحنا

حبیب الخوری، مطبعة العمومیه الکاتولیکیه، ۱۸۷۹م.

فاستر، مایکل ب؛ ***خداوندان اندیشه سیاسی***، ترجمهٔ جواد شیخ الاسلامی امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.

فرآل، م . و؛ ***دادگاه تغتیش عقاید*** (انگیریسیون)، ترجمهٔ لطفعلی بریمانی، انتشارات توس، تهران، بی تا .

فلاورز، سارا؛ ***اصلاحات***، ترجمهٔ رضا یاسایی، چاپ دوم، ققنوس، تهران، ۱۳۸۲.

کاکس ، هاروی؛ ***مسیحیت***، ترجمهٔ عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۸.

کلارک، دنیس؛ ***زندگانی و تعالیم عیسی مسیح***، ترجمهٔ ط میکائیان، دوستداران، انتشارات مسیحی، تهران، ۱۹۸۰م.

کونگ ، هانس؛ ***تاریخ کلیسای کاتولیک***، ترجمهٔ حسن قنبری، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۴.

گریدی، جوان ا؛ ***مسیحیت و بدعتها***، ترجمهٔ عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، موسسه فرهنگی طه، قم، ۱۳۷۷.

گیربرانت ، آلن؛ ***کلیسای انقلابی***، ترجمهٔ پرویز هوشمند راد، شباویز، تهران،۱۳۶۷.

لون ، وان؛ ***انگیزسییون (تفتیش عقاید)***، ترجمهٔ غلامرضا سعیدی، هندریک ویلم، بی- جا، بی‌تا .

لاک ، جان؛ ***نامه ای در باب تساهل***، ترجمهٔ شیرزاد گلشاهی، نشرنی، تهران، ۱۳۷۷.

لین، تونی؛ ***تاریخ تفکر مسیحی***، ترجمهٔ روبوت آسریان، نشرو پژوهش فروزان، تهران، ۱۳۸۰.

مارتینلی، فرانکو؛ ***تاریخ تفتیش عقاید*** (تاریخ، سفاکی‌ها، شکنجه‌ها و سادیسم‌ها) ترجمهٔ ابراهیم صدقیانی، جهان رایانه امین، تهران، ۱۳۷۸ .

محمدیان، بهرام و دیگران؛ ***دایره المعارف کتاب مقدس***، روزنو، تهران، ۱۳۸۰.

مصطفوی کاشانی، لیلی؛ ***شورای واتیکان دو میعادگاه کلیسای کاتولیک با تجددگرایی***، مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی و انتشارات بین المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۸.

معین، محمد، ***فرهنگ فارسی***، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ ***دائرة المعارف فقه مقارن***، مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام ، قم، ۱۳۸۵.

مک گراث ، آلیستر؛ ***مقدمه ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی***، ترجمهٔ بهروز حدادی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۲.

مک گراث، الیستر؛ ***درسنامه الهیات مسیحی***، ترجمهٔ بهروز حدادی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۴.

مولند ، اینار؛ ***جهان مسیحیت***، ترجمهٔ محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱.

میشل، توماس؛ ***کلام مسیحی***، ترجمهٔ حسین توفیقی، مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷.

ناس ، جان بایر؛ ***تاریخ جامع ادیان***، (با ویرایش جدید)، ترجمهٔ علی اصغر حکمت، ویرایش پرویز تابکی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵.

وان وورست، رابرت ای؛ ***مسیحیت از لابه لای متون***، ترجمهٔ جواد باغبانی و عباس رسول زاده، مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۴.

وایت، مایکل؛ ***پاپ و مرد مرتد*** (زندگی حقیقی جوردانو برونو)، ترجمهٔ فروغ پوریاوری، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران، ۱۳۸۴.

ویر، کالیستوس؛ ***سنت از دیدگاه مسیحیت(مقدمه ای برشناخت مسیحیت)***، ترجمهٔ همایون همتی، نقش جهان، تهران، ۱۳۷۹.

هاکس، جیمز؛ ***قاموس کتاب مقدس***، مطبعه آمریکایی، بیروت، ۱۹۲۸ م .

هاینس دشنر، کارل؛ ***فاشیسم و کلیسا***، ترجمهٔ مهدی ثامنیه، انتشارات محقق، مستند ۱۳۸۰.

هگل، گئورک ویلیهام فردریش؛ ***استقرار شریعت در مذهب مسیح*** ، ترجمهٔ باقرپرهام ، نشرآگه، تهران، ۱۳۶۹.

هیوم، رابرات ارنست؛ ***ادیان زنده جهان***، ترجمهٔ عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران،۱۳۸۳.